

"دستمزد کارگران و چانه زنی پشت درهای بسته!"

امیر جواهری لنگرودی

چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۸۷

۱۰ روز به نوروز ۸۸ باقی مانده است کارگران در

اضطراب و اربابان قدرت درحال چانه زنی دراطاق های دربسته اند!



ساعاتی پیش خبرگزاری کار ایران ایلنا اعلام داشت: " نخستین جلسه شورای عالی کار بدون نتیجه پایان یافت و سرنوشت مزد (سال) ۸۸ کارگران به آخرین روزهای سال کشیده شد... " این درحالیستکه صبح امروز اعلام شده بود : "عبدالحمید محمدی درگفت وگو با خبرنگار- ایلنا- اظهارامیدواری کرد که حداقل مزدکارگران برای سال ۱۳۸۸ در جلسه امروز تعیین و به اطلاع عموم برسد." چه

چیزی ضربآهنگ تعیین نرخ دستمزد را همچون سالهای گذشته به آخرین ساعات سال می کشاند؟ تجربه تا حدی تکرار شده سال های گذشته نشان می دهد که اربابان قنرت همچنان پروسه چانه زنی را کش می آورند تا همه کارگران از پای درآیند و نمایندگان دوجانبه گرایی (دولت و کارفرما) بدون نمایندگان انتخابی و واقعی کارگران دراطاقهای دربسته با رصد کردن اوضاع رقمی را اعلام دارند. بقولی ؛ دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد! ما درشرایطی به طرف نوروز ۱۳۸۸ می رویم که امسال همچون سال های پیش، مادران خانواده های کارگری و بویژه کودکان آنان، چشم براه دست های پدرانشان و نظاره گردریافت عیدی و پاداش، بن و خواربارولباس های نو و شادی آورو پُرباری قابلمه های خالی خود می باشند. آیا این انتظارو نظاره گری پاسخی خواهد یافت؟

پدران کارگر، شرمساراین نگاه ونگران ازفوج اخراج ها و بییکارسازی های بیرویه و تنگ ترشدن اوضاع کاری و حلقه ضعیف دریافت دستمزدها درهمین ایام هستند. هنوزرهبران دوجانبه گرایی به نام سه جانبه گرایی و بدوراز چشم نمایندگان انتخابی و واقعی خود کارگران، مشغول چانه زنی دردرون اطاقهای دربسته هستند و کارگران نیزنگران وضعیت موجود می باشند. این همه



درحالی ایستکه، کارگران حقوق های معوقه خود را بعد ازماهها کار، هنوزدریافت نگرفته اند و سران رژیم با دست و دل بازی به همقطاران خود اینجا و آنجا یاری می رسانند . ایران نیوزپرس می نویسد : " طبق گزارشات بدست آمده ازمشکین شهردرحالیکه کارگران زحمتکش شهرداری ۴ ماه است حقوق و دستمزد نگرفته و دروضعیت

اسفباری زندگی میکنند، دیروز شهردار مشکین شهر رحمت انوری با امضای یک چک ۲۰۰ میلیون تومانی و تقدیم آن به ستاد مربوطه سرسپردگی و همدستی خود با سایر عمال وطن برپاده امضا کرد. در تاریخ ۲۴ بهمن ۸۷ کارگری به نام مصطفی رشیدی، در گفتگوی خود با خبرنگار روزنامه "خراسان" می گوید: "هرماه بیش از سه روز سرکار نمی رویم، اصلا کار نیست و در این شرایط حتی کرایه خانه و پول آب و برق و گاز را هم ندارم که بدهم چه برسد به خرج زن و بچه ام." از او می پرسیم چند سال دارد؟ بی اختیار سرش را پایین می اندازد و می گوید: "چه اهمیتی دارد که من چند سال دارم. دختر سه ساله ام اصلا رنگ لباس نو را ندیده، همسرم مجبور است در یک اتاق ۱۲ متری با من بسازد" مکثی می کند و ادامه می دهد: "می دانید چند وقت است رنگ گوشت را ندیده ایم؟! سایت "فریاد کارگر" در تاریخ شانزدهم اسفند ۸۷ از قول کارگران فریاد برمی آورد: "در آستانه عید نوروز این کارگران توان خرید و تامین مخارج خود را ندارند و برای حل مسائل روز مجبورند که روزهای تعطیلی عید را در کارخانه بوده و اضافه کاری کنند". یکی از کارگران به خبرنگار ما گفت: "وقتی پول کافی نباشد عید نداریم و مجبوریم بیابیم سرکاروبه هیچ وجه نمیتوانیم بریم تعطیلات. تنها چیزی که برای ما مانده اضافه کاری هست و گرنه هیچی نداریم که رویش حساب بکنیم. فقط يك بخورونمیراست که ما را نگهداشته است".

در همین زمینه کارگرد دیگری می گوید: "الان کارگران نه قدرت خرید دارند و نه چیز دیگر، فقط يك حقوق خشك و خالی است. يك حقوقی که کارگر با سابقه ۲۰ سال می گیرد فقط ۲۵۰ هزار تومان است و کسی هم به این مشکلات توجه ای نمی کند. کارگر فقط نگران این است که يك دفعه او را اخراج نکنند. کارگران دیگه هیچ انگیزه ای برای کار کردن ندارند. حقوق پایین، قدرت خرید پایین و زندگی وجود ندارد. در این روزها همه چی را از کارگر گرفتند و اصلا با این وضعیت نمیتوانیم زندگی خود را تامین بکنیم".

کارگرد دیگری اینگونه زبان می گشاید: "حقوق های ما اصلا جواب نمی دهد. یعنی اینکه بخواهیم برای بچه هایمان لباس و عیدی بخریم اصلا نیست. اصلا فکر عید از سرمان خارج شده است. یعنی يك لباس هم نمی شود خرید. اصلا به خرید های عید فکر نمی کنیم. فقط باید در خانه بشینیم، نه وسیله ای داریم که بریم بیرون و نه چیزی که بتوانیم بچه ها را جایی ببریم. حتی قدرت این رو نداریم که بچه ها را به پارک ببریم. مثلا اگه بچه يك پفك هم بخواد قدرت خرید يك پفك رو هم نداریم! متأسفانه در آمد دیگه ای هم نداریم. قسط بانکم عقب افتاده و فقط منتظرم که عیدی را بگیرم و به بانك بدهم. دیگه نه حقوقی برایم می ماند و نه عیدی. خوبه که به فکر ما کارگران باشید که از این بدبختی و در به دری نجات پیدا کنیم." خبرگزاری ایلنا در ۹ اسفند ۸۷ نیز از قول کارگری می نویسد: "دستمزد فعلی حتی پاسخگوی نیازهای ۱۰ روز کارگران هم نیست، گفت: با توجه به خط فقر موجود لازم است تا اقدامات سنجیده ای به منظور تعیین دستمزد صورت گیرد".

به گزارش ایسنا ۲۳ بهمن ماه مدیرکل بیمه بیکاری وزارت کار یادآوری کرد: "رقم مقرری بگیران بیمه بیکاری رو به افزایش است، هنوز اتفاق مهمی در زمینه فوق نیفتاده، زیرا از زمانی که کارگران اخراج می شوند تا جزو مقرری بگیران بیمه بیکاری شوند دو ماه طول می کشد. اخراج ها در پایان سال است، واحدها هم در حال رکود و تعطیلی هستند. در حال حاضر ۱۴۱۷ واحد مشکل دار در کشور وجود دارد که ۵۷۰ هزار کارگردران واحدها مشغول به کار هستند و باید به آنها برسیم و حمایتشان کنیم. در مجموع این واحدها ۱۳۰ هزار میلیارد تومان به بانک ها

بدهکار هستند".

از سوی دیگر عباس وطن پرور دبیر شورای هماهنگی کارفرمایان کشور نیز به روزنامه سرمایه ۷ بهمن ماه ۸۷ گفته بود: " نمی توان بین حقوق پایه ۲۲۰ هزار تومانی و خط فقر ۷۸۰ هزار تومانی تعادل برقرار کرد و در واقع انجام این هماهنگی غیر ممکن است...." و گفت: " هیچ تعادلی بین این دو رقم وجود ندارد." همین روزنامه اعلام میدارد: " علی عسگری در میزگرد اقتصاد تشکل های دانشجویی در محل نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه ها افزود: "همچنین بیش از ۶۰ درصد درآمد در اقتصاد دست ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت است و بقیه درآمد دست افراد دیگر است و این همان توزیع نابرابر فرصت هاست".

بر اساس اعلام معاون اقتصادی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، ۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر زیر خط فقر هستند و این اظهار نظر تاییدکننده دیدگاه کسانی است که معتقدند ۱۵ میلیون فقیر داریم و آمار ۹ میلیون نفری تعداد فقرا که برخی نهادهای دولتی اعلام کرده اند خوشبینانه است و آمار واقعی فقرا بیش از این رقم است. در عین حال برخی کارشناسان معتقدند که تعداد ۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر فقیر اعلام شده توسط علی عسگری معاون اقتصادی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری شامل افرادی است که زیر خط فقر خشن هستند و تعداد فقرا حدود ۵۰ درصد جامعه است و ۷۰ درصد جامعه با ۴۰ درصد امکانات و درآمد کشور زندگی می کنند و این شکاف شدید طبقاتی و توزیع درآمد نامناسب باعث شده که افراد فقیر افزایش یابند و طبقه متوسط کوچک شود و گروهی کوچک با درآمد بالا و امکانات زیاد و اکثریت با درآمد کم و فقر زندگی کنند".

ایلنا در این خصوص در تاریخ ۲۲ بهمن ماه نوشت: " افزایش تورم چندین برابر افزایش نرخ دستمزد است، دولت باید فکری در این زمینه بکند، زمانی قدرت خرید کارگران در کشور افزایش می یابد که افزایش دستمزد کارگران با افزایش نرخ تورم هماهنگ باشد".

بیان این همه واقعیت از زبان کارگران و دست اندرکاران دولت و حکومت ضدکارگری که در لابلای مطبوعات و سایت ها به راحتی می توان یافت ، گواه وخامت اوضاع توده پا برهنه و ارتش میلیونی بیکارانی است که طی همین سال از کار بیکار شده و امروز در برابر بدهکاری و گرانی هزینه های زندگی، چشم انتظار یارانه است که دولت احمدی نژاد وعده اش را داده است!...

بی گمان بحث دستمزد ها درجایی معنی داشته و دارد که بیکاری بی معنی بوده و ما با بازار سیاه کار و برونباشیم و دیگر اینکه حداقل دستمزد در استخدام رسمی معنی داشته و دارد. در ایران و در شرایطی که بخش اعظم کارگران قراردادی و سفید امضاء هستند، و در برابر کمترین اعتراضی فوج و فوج اخراج و بیکار می گردند. هنوز کمترین محاسبه ای از حداقل هزینه زندگی یک نفرو یا یک خانوار متوسط شهری و روستایی به محاسبه کشانده نشده و امروز نیز اعلام گردید: " دستمزدهای سال ۸۸ بر اساس نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی تعیین خواهد شد.... نرخ تورم اعلام شده از بانک مرکزی ... در حال حاضر، صحبت از نرخ ۹/۲۵ درصدی است اما این رقم هنوز قطعی نیست.... اعضای شورای عالی کار هنوز درباره حق مسکن و خواروبار صحبتی نکرده اند." (ایلنا ۱۹ اسفند ۸۷)، در چنین وضعیتی تعیین دستمزد می تواند اهمیت سنبلیک برای کارگران داشته باشد .

آماروارقام موجود و تاحال اعلام شده غیررسمی، نرخ تورم وگرانی مایحتاج عمومی وسبد هزینه های زندگی کارگران را با محاسبه پرداخت حق مسکن و گرانی کمرشکن خواربار، آنچه فرسوده می سازد که حتی " خط فقر ۷۸۰ هزارتومانی" که در روزنامه " سرمایه" از آن سخن رفته است، نیز تعادلی درزندگی روزمره توده فقر و فاقه جامعه ما ایجاد نمی کند.

چاره کارتها درتشکل یابی و مبارزه متشکل و سراسری خود کارگران است. جنبش تعیین دستمزد واقعی که از آرمه ۷۸ به این سواعلام موجودیت نمود و لیست پُرشماری از کارگران کارخانه ها وتشکل ها نظیر: "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه - اتحادیه آزاد کارگران ایران - سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه - انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه - کارگران شرکت ریسندگی پریس - کارگران کارخانه شاهو - کارگران فرش غرب بافت و جمعهایی از کارگران: عسلویه - شرکت صنایع فلزی - لوله و پوشش سلفچگان- لاستیک البرز- نورد لوله و پروفیل ساوه- شرکت مکان سازان - پتروشیمی پلی اتلین سنگین کرمانشاه- کارخانه فرامان صنعت - کارخانه اخگر گاز - شرکت سیم کابل - آجر پزی شیل سندج - کارخانه نیر پارس - گونی بافی سما - شرکت آجین سازه - کارخانه فراساز - صنایع شیمیائی اصفهان - LAB پتروشیمی اصفهان و جمعهایی ازکارگران ساختمانی " رابا خود داشته و دارد، نه با روی آوری به سوی حاکمیت و دولت برآمده از آن یعنی چرخه اصلی سرمایه داری حاکم بر ایران، بلکه تنها با تمرکز روی پایه های خود و راهبری تشکیلات و سازمان یابی منظم و درارتباط تنگاتنگ با نیروی میلیونی بیکار شده گان از کار، می توانند مبارزه سازمان یافته سراسری تعیین دستمزد را به تناسب یک محاسبه واقعی طبقه بندی نموده و بر دولت تحمیل نمایند .

وزارت کار دولت احمدی نژاد، مجلس سرمایه، شورای عالی کارتعیین دستمزد، همچون سال گذشته درآخرین روزهای سال با فراهم آوردن رقمی، دلمشغولی بخش هایی از کارگران را فراهم می سازند ولی این همه کار نیست، برای کارگران تنها یک شعاربه جا ماندنی و پُردوام می نماید: چاره رنجبران : وحدت وتشکیلات است . شعاری که اربابان قدرت از آن فرارمی کنند وبا بیشمار ابزارسرکوب خود وبا غل و زنجیر به جان کارگران می افتندتا حق زندگی وحیات را به بهاء پروار شدن خود از آنها بگیرند.

تشکل، تجمع، اتحاد عمل های موردی، کارآمد ویا پایدار، پُردوام، برانگیختن وسیع ترین همبستگی بین المللی درراستای پشتیبانی ازمبارزات کارگران ایران، حلقه مقدم رودرویی با استبداد حاکم است. دراینراه ازهیچ اقدام جدی و موثر فروگذار ننماییم!

امیر جواهری لنگرودی

Amirjavaheri@yahoo.com

۲۰ اسفند ۱۳۸۷